

Journal of Islamic Human Rights

Volum 1, Consecutive Number 1, 2024

Journal Homepage: <https://islamichumanrights.ir/>

This is an Open Access paper licensed under the Creative Commons License CC-BY 4.0 license.



The Position of the Environment in the Paradigm of Islamic Human Rights

Mahmoud Abbasi^{1*}, Meysam Kalthornia Golkar²

1. Head of Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran; Head of International Human Dignity Think Tank, Tehran, Iran. dr.abbasi@sbm.ac.ir

2. Researcher of Institute of Bioethics and Health Law, Tehran, Iran; General Director of International Human Dignity Think Tank, Tehran, Iran.

Abstract

How to deal with the environment, especially due to weather hazards, climate changes and the extinction of biological species, as a result of excessive human use, is one of the most important concerns of contemporary societies. Meanwhile, using the capacity of religious teachings to make serious changes in the attitude towards the environment and how to treat it can be very helpful. Based on this, the present study was carried out using qualitative content analysis method based on documentary data, with the aim of explaining the status and dignity of the environment in the context of the basic principles of Islamic human rights. The findings showed that the principles of Islamic human rights, while emphasizing the inherent dignity and virtue of man and the right to benefit from nature, depict for him the place of succession and trustworthiness on the earth and on this basis, tie the right to benefit from the environment with the need to protect nature as a moral and religious duty that has an intrinsic value. This attitude and its dissemination can be used as an effective model for promoting sustainable and responsible behaviors towards the environment in Islamic societies and as an example for other societies

Keywords: Environment, Islamic Human Rights, Human Dignity, Benefit, Succession, Trustworthiness

- Abbasi, M., Kalthornia Golkar, M. (2024). The Position of the Environment in the Paradigm of Islamic Human Rights, *Journal of Islamic Human Rights*, 2(1), 1-15.



مجله حقوق بشر اسلامی

دوره اول - شماره اول - ۱۴۰۳

صفحات ۱-۱۵ (مقاله پژوهشی)

تاریخ: دریافت ۱۴۰۳/۰۳/۱۷ - پذیرش ۱۴۰۳/۰۶/۲۶ - انتشار ۱۴۰۳/۰۷/۲۶

جایگاه محیط زیست در پارادایم حقوق بشر اسلامی

محمود عباسی^{*۱}، میثم کلهرنیاگلکار^۲

۱. رئیس مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی و رئیس اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی، تهران، ایران. dr.abbasi@sbmu.ac.ir

۲. پژوهشگر انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت و مدیر کل حوزه ریاست اندیشکده بین‌المللی کرامت انسانی، تهران، ایران.

چکیده

مواجهه با محیط زیست به ویژه به واسطه مخاطرات آب و هوایی، تغییرات اقلیمی و انقراض گونه‌های زیستی، در نتیجه استفاده افراط‌گونه بشر، یکی از مهمترین دغدغه‌های جوامع معاصر به شمار می‌آید. در این میان استفاده از ظرفیت آموزه‌های دینی برای ایجاد تغییرات جدی در نگرش به محیط زیست و نحوه رفتار با آن، می‌تواند بسیار راهگشا باشد. بر این اساس مطالعه حاضر با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی مبتنی بر داده‌های اسنادی، با هدف تبیین جایگاه و منزلت محیط زیست در پیرامون اصول مبنایی حقوق بشر اسلامی به انجام رسید. یافته‌ها نشان داد که اصول حقوق بشر اسلامی ضمن تأکید بر کرامت ذاتی و فضیلت انسان و حق بهره‌مندی از طبیعت، برای او جایگاه جانشینی و امانتداری بر زمین را به تصویر می‌کشد و بر این مبنای حق بهره‌مندی از محیط زیست را با لزوم حفاظت از طبیعت به‌عنوان یک وظیفه اخلاقی و دینی که ارزشی ذاتی دارد، گره می‌زند. این نگرش و اشاعه آن می‌تواند به‌عنوان یک الگوی مؤثر برای ترویج رفتارهای پایدار و مسئولانه نسبت به محیط زیست در جوامع اسلامی و سرمشقی برای دیگر جوامع، مورد استفاده قرار گیرد.

کلیدواژه: محیط زیست، حقوق بشر اسلامی، کرامت انسانی، بهره‌مندی، جانشینی، امانتداری

- عباسی، محمود؛ کلهرنیاگلکار، میثم. (۱۴۰۳). جایگاه محیط زیست در پارادایم حقوق بشر اسلامی، مجله حقوق بشر اسلامی، ۱(۱)، صفحات ۱-۱۵.

مقدمه

حفظ محیط زیست و ایجاد تعادل میان توسعه اقتصادی و حفاظت از منابع طبیعی، یکی از چالش‌های اصلی دوران مدرن به شمار می‌رود. تأثیرات مخرب فعالیت‌های انسانی بر محیط زیست، نه تنها در ارتباط با خود محیط زیست و حیات وحش، بلکه در مقیاس حقوق بشر و نقض کرامت انسانی نیز موجبات نگرانی‌های بسیاری را فراهم می‌آورد.

در حال حاضر چالش‌های زیست محیطی عمده در ارتباطی وثیق با ملاحظات حقوق بشری قرار دارند. از یک طرف، دسترسی به آب سالم و هوای پاکیزه از حقوق اساسی بشر است که نقض آن به شدت به سلامتی انسان‌ها آسیب وارد می‌آورد و بروز بیماری‌های جدی نظیر آسم، بیماری‌های قلبی و عوارض سرطانی را موجب می‌شود. متقابلاً، حفظ محیط زیست باعث می‌شود که منابع طبیعی چون آب و هوا تمیزتر باقی بمانند و حقوق بشر در زمینه دسترسی به آب و هوای سالم تضمین شود. از طرف دیگر، حفاظت از تنوع زیستی به عنوان یکی از پایه‌های حیاتی محیط زیست، منجر به حفظ منابع طبیعی و حیاتی مانند جنگل‌ها، دریاچه‌ها، و حیوانات و گیاهان وحشی می‌شود و نظم و یکپارچگی حاکم بر اکوسیستم را مصون می‌دارد؛ همچنان که تخریب تنوع زیستی منجر به از بین رفتن گونه‌ها و افزایش خطر انقراض آنها می‌شود که این امر تبعاتی را نیز برای کیفیت زیست انسانی و در نتیجه تهدیداتی را از منظر نقض حقوق بشر و کرامت انسانی به دنبال خواهد داشت. تغییرات اقلیمی نیز به عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های جهانی، تهدیدی عینی برای ابعاد مختلف حقوق بشری به شمار می‌رود. افزایش دما، طوفان‌ها، خشکسالی‌ها و سایر پدیده‌های جوی ناشی از تغییرات اقلیمی، منجر به تخریب منابع طبیعی، کاهش امنیت غذایی و افزایش مشکلات بهداشتی و تبعات ناشی از آنها می‌شوند که این امور به طور مستقیم حقوق بشر را تهدید می‌کنند.

اینک پرسش اینجاست که در الگوی حقوق بشر اسلامی به عنوان یک نظام حقوقی و اخلاقی مبتنی بر آموزه‌های قرآن و سنت، حفاظت و پاسداشت محیط زیست از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار است و اساساً مبانی و اصول حاکم بر حقوق بشر اسلامی چه ارتباطی با محیط زیست و محافظت از آن برقرار می‌نمایند و نظام حقوقی اسلام نسبت به دغدغه‌های محیط زیستی به ویژه از منظر تأثیری که بر کرامت انسانی و حقوق وی بر جای می‌گذارد چه کاربست‌هایی در اصول حقوق بشری اسلام برای درک و دریافت جامعه اسلامی به ودیعه نهاده است؟ این تحقیق با هدف پاسخ به این پرسش‌ها به رشته تحریر درآمده است.

پیشینه

تحقیقات پیشین به رغم اینکه صراحتاً موضوع این تحقیق را وجهه اهتمام خود قرار نداده‌اند لیکن جهات و ابعاد مختلفی از آن را محل بحث و کنکاش قرار داده‌اند که می‌تواند در بحث حاضر نیز گره‌گشا باشد. در ادامه به برخی از این تحقیقات و محور بحث‌ها و یافته‌های آن‌ها اشاره می‌شود.

جواد آملی (۱۳۸۷) ضمن استدلال به آیات و روایات مختلفی که حاکی از اهمیت و منزلت محیط زیست در پنداره قرآنی و اسلامی است، فرهنگ دین را همواره حامی مبادی زیست محیطی می‌داند و بیان می‌دارد که «گرچه حفظ محیط زیست از لحاظی به علوم طبیعی و تجربی بر می‌گردد، لیکن کارآمدی آن، نحوه حیات بشر و تأمین سلامت و شادابی و ... صبغه علوم انسانی دارد و در تمام رشته‌های علوم انسانی قبل از هر چیز، انسان‌شناسی لازم است و انسان کریم را جز قرآن کریم، چیزی تفسیر نمی‌کند و همان‌طور که بهترین روش تفسیری قرآن، گذشته از استعانت به برهان عقلی و استمداد از حدیث صحیح، همانا تفسیر قرآن به قرآن است: «قرآن ز قرآن پرس و بس»، بهترین شیوه انسان‌شناسی، تفسیر انسان به انسان است؛ یعنی باید متشابهات حس و خیال و وهم را از بخش اندیشه، به محکومات عقل نظری ارجاع داد و متشابهات شهوت و غضب را در بخش انگیزه، به محکومات عقل عملی احاله کرد و سرانجام، فطرت یا فطنت و فکرت نهادینه‌شده الهی را مرجع علم و عمل قرار داد تا صبغه ملکوتی اصول زیست محیطی محفوظ بماند». در مقاله‌ای دیگر، یعقوبی (۱۳۸۰) به بررسی موضوع اسلام و محیط زیست پرداخته و در مطالعه خود، نگاه و نگرش به طبیعت و پیوند انسان با طبیعت از منظر آموزه‌های اسلامی و تمایز و وجوه افتراق آن از نگرش غربی را مورد توجه قرار داده است. Kamali (۲۰۱۲)، در مقاله حفاظت از محیط زیست در آموزه‌های اسلامی از منظر قرآن، با تأکید بر «اصل جانشینی انسان (خلافه) بر روی زمین - که نوع بشر را امانتدار و حافظ محیط طبیعی خود قرار می‌دهد - و اصل امانت (امانه)»، به بحث و استدلال پیرامون رویکرد قرآن به حفاظت از محیط زیست و تمایز دیدگاه ارزشی اسلام در این زمینه می‌پردازد. قدیر (۱۳۹۴)، با بررسی حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی و اسلام، ضمن اذعان به اینکه در چارچوب نسل سوم حقوق بشر حق جدیدی به نام حق بر محیط زیست در اسناد بین‌المللی حقوق بشری شکل گرفت که در آن محیط زیست به عنوان یک حق انسانی مطرح شده است، به این مهم از دیدگاه اسلام به عنوان یک دین جامع و کامل که در آن میان انسان و

طبیعت رابطه وجود دارد، پرداخته است و بیان می‌کند که «در تعالیم اسلامی طبیعت در اختیار انسان‌ها قرار گرفته تا از آن بهره‌برداری معقول نمایند و از اتلاف و نابودی آن خودداری نمایند. چنین حقی در قرآن کریم شناسایی شده و از جنبه‌های مختلفی به آن پرداخته شده است و توصیه شده که از طبیعت به عنوان امانتی الهی استفاده نمایند و حق آیندگان رعایت شود». افتخار جهرمی و رضایی (۱۳۹۵) در بررسی‌های خود بر این یافته تأکید داشته‌اند که «نگاه قرآن به طبیعت، نگاهی کاملاً متفاوت از سایر ادیان و نظام‌های حقوقی است و حق انسان بر زمین، در برخی موارد که با محیط زیست در تعارض قرار می‌گیرد محدود می‌شود. از آنجا که تأمل و توجه به طبیعت از آیات قرآن مجید و تمامی آموزه‌های اسلام قابل استنباط می‌باشد، بدین روی همگرایی حقوق محیط زیست و حقوق بشر از منظر اسلام امری پذیرفته شده است».

در این مقاله ضمن ارجاع به تحقیقات پیشین رویکردی نوین در تبیین جایگاه محیط زیست از منظر پارادایم حقوق بشر اسلامی با ترسیم الگوی بهره‌برداری و ضرورت حفظ و پاسداری از محیط زیست با استناد به اصول حقوق بشر از منظر اسلام، مطمح نظر بوده است.

روش

در این تحقیق، از مطالب مندرج در منابع کتابخانه‌ای و اسنادی نظیر کتب، مقالات علمی و منابع اسلامی (قرآن و روایات) استفاده شده است. همچنین، شیوه بحث بر مبنای تحلیل محتوای کیفی و استدلال استنتاجی و استقرایی از شواهد کتابخانه‌ای استوار گردیده است.

یافته‌ها

پرداختن به محیط زیست و عناصر متشکله آن در آیات و روایات از یک سو و عموم و اطلاق شواهد بازتابنده اصول حقوق بشر در منابع اسلامی از سویی دیگر، حاکی از ضرورت حفظ محیط زیست و بهره‌مندی عادلانه از آن است. تأکید بر اهمیت محیط زیست در چارچوب نظام فکری اسلام، بیش از آنکه مسئله‌ای طبیعت‌محور باشد امری فضیلت‌محور است و همین مهم ارزشمندی و نفوذ و رسوخ آن را در اذهان بیشتر می‌کند. با توجه به شواهد قرآنی و روایات مختلف می‌توان اصولی را (کرامت و برخورداری، خلافت و جانشینی، و عدالت و امانتداری) در پیرامون نظام حقوق بشر اسلامی استحصال نمود که پایبندی به آن ضامن حفظ و پاسداشت محیط زیست است. درواقع حقوق بشر

اسلامی نسبت به اهمیت محیط زیست و جایگاه آن توجه ویژه‌ای داشته و از این طریق در ارتباطی حکیمانه و دوسویه حفظ حقوق بشر از دریچه محافظت از محیط زیست را تأمین و تضمین نموده است.

بحث

جایگاه محیط زیست و اهمیت و ضرورت پاسداشت آن مزید بر سیر استقرایی در آموزه‌های دینی با امعان نظر به مبانی و اصول حاکم بر حقوق بشر اسلامی نیز قابل بحث و بررسی است. در ادامه با محوریت این مبانی و اصول، شامل کرامت و برتری، بهره‌مندی، جانشینی، امانتداری و عدالت ورزی، به تبیین جایگاه محیط زیست در منشور حقوق بشر اسلامی اهتمام خواهیم نمود.

الف) کرامت و فضیلت انسانی

قرآن کریم با بیان اینکه «و لقد کَرَّمنا بنی آدم و حملناهم فی البرّ و البحر و رزقناهم من الطّیّبات و فضلناهم علی کثیرٍ ممن خلقنا تفضیلاً» (اسراء، ۷۰) انسان را در مقامی عظیم و کریم به تصویر می‌کشد و اقتضای این کرامت برتری و فضیلت او بر دیگر مخلوقات است. انسان در قرآن از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است؛ خدا او را بر بسیاری از مخلوقات خویش برتری داده است. او آنگاه خویشتن واقعی خود را درک و احساس می‌کند که این کرامت و شرافت را در خود درک کند و خود را برتر از پستی‌ها و دنائت‌ها و اسارت‌ها و شهوترانی‌ها بشمارد. (میرموسوی، حقیقت، ۱۳۷۶)

با توجه به مبانی اسلامی، انسان از آن جهت به‌عنوان یک موجود فراتر از سایر موجودات جهان در نظر گرفته می‌شود که خداوند به او کرامتی خاص می‌بخشد و قرآن کریم زیربنای حقوق بشر را بر این اصل استوار ساخته است: لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ. کرامت انسان برخاسته از فطرت پاک الهی است و همین امر مبنای برخورداری و استحقاق او از مظاهر پاک و بی‌آلایش خلقت از جمله محیط زیست سالم گردیده است. پیامبر گرامی اسلام (ص) چنین فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى طَيِّبٌ يَحِبُّ الطَّيِّبَ، نَظِيفٌ يَحِبُّ النِّظَافَةَ، كَرِيمٌ يَحِبُّ الْكَرَمَ، جَوَادٌ يَحِبُّ الْجُودَ، فَتَطَفَّؤْا...»؛ (ترمذی، ۱۱۱) بدین معنا که خداوند پاک است و پاکی را دوست دارد؛ پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد ... پس، فنا و آستان زندگی خود را پاکیزه نمایید. آنچه از این حدیث شریف استنباط می‌شود: اولاً اصول زیست محیطی از

منظر رسول گرامی اسلام، صبغه ملکوتی دارد و رعایت طهارت و طیب در بدن و منزل و محل کار و ساحت خانه و دفتر و پیشگاه مراکز تحقیق و پژوهش و ... برای آن است که انسان خلیفه خداست و خلیفه باید سنت و سیرت مستخلف عنه را سریره خود قرار داده، به پاکی و خوشبویی از آن جهت که محبوب خداست، علاقه‌مند باشد. ثانیاً بوی خوب و رعایت پاکیزگی، روح را تلطیف می‌کند؛ زیرا جان آدمی مجاور بدن اوست و تأثیر و تأثر متقابل آن دو در یکدیگر، معقول حکیم و مقبول طیب است و در پرتو طیب و طهارت تن، روح ملکوتی تقویت شده، توان پرواز برتر پیدا می‌کند. ثالثاً فرمان مزبور با تحلیل عریق حدیث‌شناسی، به سه اصل عموم، دوام و اطلاق همراه است؛ یعنی همگانی، همیشگی و همه‌جانبه و فراگیر است؛ به طوری که تمام انسان‌ها اعم از زن و مرد، پیر و برنا، در تمام دوران زندگی و ایام عمر و از هر جهت، باید بدن، منزل و محل کار را نظیف و پاکیزه نمایند و آن را آلوده نکنند و اگر در اثر رخدادهای پیش‌بینی نشده آلوده شد، به نظافت آن مبادرت کنند. رعایت این اصول، حقوق و وظایف متقابل تمام شهروندان نسبت به یکدیگر و نیز دولت و ملت در برابر هم است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

همچنین، کرامت انسان و فضیلت ذاتی او مبنا و منشأ بهره‌مندی از محیط زیست و اذن تسلط بر مواهب طبیعت است؛ امری که به طور مجزا در آیات و روایات مختلفی به عبارات و سیاق گوناگون به آن اشاره شده است.

ب) حق بهره‌مندی

براساس آموزه‌های حقوق بشر اسلامی، خداوند مخلوقات خویش و به طور برجسته طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها وجود دارد. لذا می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» (بقره، ۲۹) این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها می‌داند؛ که باید به نحو اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسان‌ها در همه دوره‌ها صورت پذیرد. شاهد دیگر، آیه «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (اعراف، ۱۰) است؛ که بیانگر توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم شده است. روشن است که داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند کریم، پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده

است. برخی آیات قرآن نیز آفرینش عناصر محیط زیست را برای انسان می‌داند به طوری که خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آنها برای انسان تأکید می‌کند. ازجمله آنجا که می‌فرماید «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (نحل، ۵) یا «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...» (نحل، ۱۰) و «يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» (همان، ۱۱) و همچنین می‌فرماید، «وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» (نمل، ۶۰) این دسته از آیات که در قرآن به فراوانی یافت می‌شوند، همگی یک پیام واحد دارند: تمامی عناصر محیط زیست روی زمین برای انسان‌هاست و همه افراد حق دارند از این نعمت‌های الهی بهره‌مند شوند. هیچ‌کس نمی‌تواند این حق خدادادی را از آنان سلب کند. از طرفی، آیاتی از قرآن، محیط زیست و عناصر آن را مسخر انسان می‌داند؛ «در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها و سبزه‌زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در خدمت انسان در آورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه آنها بهره‌برده و زندگی سعادت‌مندی را داشته باشد. در فرهنگ قرآن، واژه تسخیر به دو معنی آمده است: یکی در خدمت منافع و مصالح انسان بودن مانند تسخیر خورشید و دیگری زمام‌اختیارش در دست بشر بودن مانند دریاها و بسیاری از موجودات زمین. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۹، ص ۳۵۶) از این قسم شواهد قرآنی می‌توان به «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...»، «وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ...»، «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» و موارد بسیاری از این دست که به همین معنا دلالت دارند اشاره داشت.

از آنچه بیان شد، روشن می‌شود که طبیعت و محیط زیست در متون دینی به‌عنوان حق همه انسان‌ها در تمامی دوران‌ها شناخته شده است. بنابراین، در مقابل حقی که خداوند برای استفاده از محیط زیست و طبیعت به انسان اعطا کرده، وظیفه‌ای نیز بر عهده او گذاشته است که حفظ، حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست را شامل می‌شود. زیرا هدف خداوند از واگذاری طبیعت به انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره‌مند شود. در نتیجه، اگر انسان در استفاده از این امکانات زیاده‌روی کند، برخلاف این هدف متعالی عمل کرده است که نتیجه آن به خطر افتادن حیات خود و دیگران و بازماندن از مسیر تکاملی به سوی سعادت دنیا و آخرت خواهد بود. (فیروزی، ۱۳۸۴)

درواقع، حق انسان بر زمین و طبیعت، در برخی موارد که با مصلحت محیط زیست در تعارض قرار می‌گیرد، محدود می‌شود (افتخار جهرمی؛ رضایی، ۱۳۹۵، ۲).

بنابراین بهره‌مندی انسان از محیط زیست در چارچوب حقوق بشر اسلامی به‌عنوان یک فضیلت مطرح است نه صرفاً یک فرصت یا منفعت و این برخورداری بایستی در راستای فضائل نفسانی و ملکوتی باشد.

پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «ثلاث یجلین البصر، النظر الی الخضره و الی الماء الجاری و الی الوجه الحسن»، سه چیز است که موجب روشنی دیده‌اند: نگاه به سبزه و به آب روان و به روی نیکو. (پاینده، ۱۳۸۲، ۴۲۵) اگر جلوه چشم در دیدن فضای سبز و آب روان است، مشخص است که ایجاد و حفظ بوستان و گلستان و منطقه سبز و روان ساختن جوی صاف، مطلوب اسلام است؛ نه در تحصیل آن کوتاهی رواست و نه در حراست آن، قصور سزااست و نه در نگهداری منابع طبیعی و مراتع و مزارع گل و گیاه، فتور به جاست. همچنین اگر فضای سبز با زرع یا غرس خوشه یا شاخه ثمربخش همراه است، خیر مضاعف محسوب می‌شود. لذا رسول گرامی اسلام غرس درخت میوه را صدقه ثواب‌آور دانست و در تشویق آن، چنین فرمود: «من غرس غرساً لم يأكل منه آدمی و لا خلق من خلق الله إلا كان له صدقة». (پاینده، ۱۳۸۲، ۷۵۱) گستره فیض خدا باعث شد که ثواب صدقه دادن از راه زرع یا غرس درخت بارآور، اختصاصی به بهره‌برداری بشر نداشته باشد؛ بلکه اگر هر مخلوقی اعم از حیوان یا انسان از آن استفاده کند، عنوان صدقه بر آن جاری خواهد شد. (جواد آملی، ۱۳۸۷)

ج) جانشینی

خداوند در قرآن کریم برای انسان مقام خلافت و جانشینی در نظر گرفته و می‌فرماید «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (بقره، ۳۰). آیاتی که درباره مقام و منزلت انسان در قرآن مجید آمده، رفیع‌ترین مقام و شکوه هستی را پس از مقام الوهیت برای انسان ترسیم ساخته است و انسان را موجودی خداگونه و نماد تمام‌عیار آفریننده جهان در روی زمین تعریف می‌کند و سرنوشت آفرینش او را برتر از همه موجودات زمینی و آسمانی می‌داند.

از یک منظر، کرامت انسان، مرهون خلافت اوست؛ زیرا جانشین موجود کریم از کرامت برخوردار است و چنین کرامتی که از ناحیه خلافت الهی باشد، بهره غیر انسان نیست. بنابراین، «کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و «خلیفه»، کسی است که در تمام شؤون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و

مطابق اراده او صاحب انگیزه شود. خدای سبحان که خلعت خلافت را بر اندام موزون انسان وارسته پوشانید، تاروپود استبرق جانشینی را، معرفت اسمای حسناى الهی و مرمت قلمرو خلافت و آباد و آزادسازی منطقه جانشینی از نفوذ تخریبی اهریمنان قرار داد ... و از لحاظ عملی چنین فرمود: «هو أنشأكم من الأرض و استعمرکم فیها فاستغفروه ثمّ توبوا إلیه إنّ ربّی قریبٌ مجیب» (هود، ۶۱)؛ خدای یگانه شما را از زمین ایجاد کرد و شما را بر آبادی زمین برگماشت پس از او طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه کنید، حقیقتاً که پروردگار من نزدیک و اجابت کننده است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

مهم ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هرگونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گستره زیست بشر است که از عمق دریا تا اوج سپهر و قله آسمان را دربر می گیرد. بنابراین، فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است. آن کس که به جای پالایش هوا، آن را می آلود و عوض مرمت زمین، آن را ویران می کند و به جای غرس نهال، به قطع درخت می پردازد و به جای سالم سازی دریا و صحرا، از آلوده نمودن آن ها ابایی ندارد، چنین فارغ بی فروغی، بی دریغ دروغ می گوید که خویشتن را خلیفه خدا می شمرد. منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست محیطی برای حیات انسانی است؛ نه خصوص زندگی گیاهی که برخی دارند و نه مخصوص حیات حیوانی که عده ای به آن بسنده نمودند، بلکه زندگی انسانی که جامع تمام مراحل نباتی و حیوانی هم خواهد بود؛ یعنی هم زمین از خطر تباهی برهد و هم زمینه از ضرر اخلاقی مصون بماند تا هم بدن از مزایای طب طبیعی طرفی بندد و هم روح از مواهب ویژه نفس رحمانی، به رُوح و ریحان نایل شود. (همان)

انسان از نظر قرآن موجودی است برگزیده از طرف خداوند؛ خلیفه و جانشین او در زمین؛ مرکب از روح و جسم؛ دارای فطرتی خدا آشنا، آزاد، مستقل، امانتدار خدا و مسئول خویشتن و جهان، مسلط بر طبیعت و آسمان و زمین، آشنا به خیر و شر، در حال کمال از ضعف به قوت، سیرکننده به سوی خدا، دارای ظرفیت علمی و عملی نامحدود، برخوردار از شرافت و کرامت ذاتی، شایسته بهره مندی از نعمت های خداوندی و برخوردار از حقوق و مسئول در برابر خداوند خویش است. (مطهری، بی تا، ۲۵۲-۲۴۷)

بنابراین جانشینی خداوند در زمین برای انسان گرچه مبنای حق بهره مندی او از محیط زیست قرار می گیرد لیکن برای او مسئولیت زرا و تعهدآور نیز خواهد بود تا با اتصاف به

اوصاف خداوند کریم به عدالت و درستی و نیکویی یا به دیگر سخن توأم با منش امانتداری از محیط زیست بهره‌مند شود.

(د) امانتداری

براساس قرآن کریم (احزاب، ۱۷۲؛ دهر، ۳) انسان شخصیتی مستقل و آزاد دارد و امانت‌دار خدا است. رسالت و مسئولیت دارد؛ و از او خواسته شده است تا با کار و ابتکار خود زمین را آباد سازد و با انتخاب خود یکی از دو راه سعادت و شقاوت را اختیار کند. (میرموسوی، حقیقت، ۱۳۷۶)

همان گونه که دیدگاه خدامحورانه حکایت دارد، اسلام پیش از همه تحولات کنونی به بحث طبیعت نگاه خاص داشته و مالکیت محیط زیست را از آن خدا دانسته است و حق انسان بر بهره‌گیری از مواهب طبیعی بر گرفته از اذن خدا می‌باشد. (افتخار جهرمی؛ رضایی، ۱۳۹۵: ۲)

اسلام به عنوان یک مکتب جامع و انسان‌ساز، توجه ویژه‌ای به محیط‌زیست داشته است و انسان را خلیفه الهی می‌شناسد و او را مسلط بر طبیعت می‌داند. اما انسان که خلیفه الهی بر زمین است حق ندارد مرتکب تعدی و تفریط شود. نگرش انسان به محیط زیست باید به عنوان امانت الهی باشد که ضمن بهره‌برداری از محیط زیست، در حفاظت از آن کوشا باشد تا این امانت الهی را به سلامت به نسل‌های آینده تحویل دهد. (قدیر، ۱۳۹۴: ۱۰۰)

براساس همین تکلیف و مسئولیت انسان است که باید در حفظ محیط زیست و عناصر آن کوشا باشد و از فساد و تباهی در زمین اجتناب کند چه اینکه زیست منطبق با کرامت و شرافت انسان در گرو داشتن محیط زیست سالم است. از حضرت امام صادق (ع) نقل شده است: «لا یطیب السکنی إلا بثلاث، الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الأرض الخوارة» (مجلسی، ۱۳۷۴: ۲۳۲)؛ زندگی بدون احراز سه عامل حیاتی گوارا نیست: هوای پاک تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل‌خیز و قابل کشت و زرع. خداوند تمام عناصر محوری مورد نیاز زندگی بشر را تأمین فرمود و بهره‌برداری از آن‌ها را جزء حقوق بشر قرار داد و جامعه را به صیانت آن‌ها از آفت، انقراض، کمبودی و مانند آن مکلف کرده است. اگر فرد یا جامعه، دولت یا ملت در شناخت این عناصر اصلی فتور ورزد یا در تحصیل یا نگهداری آن‌ها قصور کند، وظیفه دینی خود را انجام نداده است؛ یعنی لازم است درباره

اصل هوا، کیفیت بهره‌برداری از این امانت الهی و چیزهایی که آن را آلوده و بیمار می‌کند و چیزهایی که در پالایش و درمان آن مؤثر است و نحوه پالایش آن، کارشناسی دقیق شده و اجرا شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۷)

ه) عدالت‌ورزی

تفسیر حق بهره‌مندی انسان در کنار مقام جانشینی و امانتداری او مستلزم عدالت‌ورزی در مواجهه با طبیعت و محیط زیست است. عدالت مفهومی گسترده است و ابعاد گوناگونی می‌یابد. پرهیز از اسراف و تبذیر و افساد در زمین و وارد آوردن ضرر و سوء مدیریت در بهره‌مندی از محیط زیست (kamali, 2012, 262) از مصادیق مهم رفتارهای ناعادلانه در قبال محیط زیست است.

قرآن کریم بهره‌وری غیر منطقی و اسراف گونه از طبیعت و مواهب آن را اقدامی نادرست و ناشایست می‌داند؛ «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلوا و اشربوا و لا تسرفوا، إِنَّهُ لَا یُحِبُّ الْمُسْرِفِینَ» (الاعراف، ۱۳) در صورتی که تصرف انسان مایه فسادگری و ظلم و طغیان باشد دخالت انسان در طبیعت محدود و ممنوع می‌شود: «کلوا و اشربوا من رزق الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین» (البقره، ۶۰)

در اسلام، مدیریت درست محیط زیست به ویژه در سطح کلان از وظایف حاکمان و دولت‌ها به شمار می‌رود. امام علی (ع) با تأکید بر لزوم آبادانی زمین و محیط زیست، چنین می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ»؛ اهتمام تو به آباد نمودن زمین، بیش از توجه تو به جمع درآمد و اخذ مالیات باشد زیرا این (کسب درآمد) جز با آبادانی به دست نمی‌آید (نامه ۵۳، بند ۷۹).

لزوم رعایت عدالت در بهره‌مندی از محیط زیست در قالب قاعده «لا ضرر و لا ضرار» نیز قابل بررسی است. درواقع بسیاری از مسائل طبیعت و محیط زیست در عصر ما به گونه‌ای به این قاعده مرتبط است. کارخانه‌هایی که هوا را آلوده می‌کنند و یا فاضلاب آنها که به رودخانه‌ها ریخته می‌شود و با آلودگی هوا و آب‌ها به گونه‌ای به جامعه زیان می‌رسانند و یا خودروهایی که در شهرها به هر دلیل هوا را آلوده می‌سازند و یا آنان که در سطح کلان در از بین بردن لایه محافظ زمین، آلوده کردن دریاها، تغییر دمای زمین و ...

مؤثرند، همه مشمول این قاعده‌اند و بر طبق آن حکومت اسلامی اجازه نمی‌دهد کسی به فرد دیگری و به طریق اولی به جامعه که افراد متعددی را بردارد، زیان رساند، و یا به طور غیر مستقیم یا تجاوز به محیط زیست آنان را در تنگنا قرار دهد. اصولاً هرگونه تجاوز به محیط زیست نوعی زیان‌رسانی به مردم است که در حدیث شریف از آن به «ضرر» تعبیر شده است؛ به همان‌سان که آن‌ها را به لحاظ جسمی و روحی و گاه اقتصادی در تنگنا قرار می‌دهد و ناخوش می‌کند که در حدیث شریف از آن به «ضرار» تعبیر شده است. قرآن کریم بارها بر رفتارهای سازنده و اصلاح‌گرانه تأکید کرده که به طور قطع، یکی از رفتارهای اصلاح‌گرانه در زمین حفظ و حراست از طبیعت و محیط زیست است و در مقابل، از رفتارهای فسادانگیز نهی کرده است. در قرآن کریم در بسیاری موارد، واژه «صلاح» در مقابل «فساد» آمده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» (اعراف، ۵۶) به این معنی که در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید. بدون تردید، تخریب، نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فسادانگیز در زمین است. همان‌گونه که در آیه بالا هم آمده است، در بسیاری از آیات قرآن، واژه «فساد» همراه با «فی الارض» آمده است که این فساد در زمین، شامل فساد در طبیعت و محیط زیست نیز خواهد بود. به همین جهت، قرآن کریم با بیان عناصر محیط زیست و طبیعت، تخریب و نابودی آنها را مصداق بارز فساد می‌داند و خطاب به پیامبر (ص) می‌فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»؛ هنگامی که روی بر می‌گرداند (و از نزد تو خارج می‌شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند، (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. (فیروزی، ۱۳۸۴)

از آیات یادشده استفاده می‌شود که فساد در مقابل عدل دارای مفهومی بسیار گسترده است و شامل هرگونه نابسامانی، ویران‌گری، انحراف و ظلم می‌گردد. به عبارت دیگر، فساد به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود که نظام آفرینش را دچار مخاطره کند. یکی از نظم‌های موجود در آفرینش، نظم حاکم بر طبیعت و محیط زیست است که هرگونه تخریب و نابودی آن، مشمول نهی در این آیات خواهد شد. ازاین‌رو، هرگونه رفتاری که به بروز فساد و تخریب در عرصه محیط زیست ختم گردد، در تضاد با تعالیم

عالیه اسلام بوده و ممنوع است. بر همین اساس، انسان باید در عین استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست، از هرگونه رفتار غیر اصولی و فسادانگیز در این باره پرهیزد. (همان)

به‌طور کلی می‌توان گفت اقتضای اصل عدالت در برخورداری از محیط زیست در چارچوب حقوق بشر اسلامی، بهره‌مندی متوازن، عادلانه و آبادگرانه از طبیعت با ملاحظه حقوق تمامی انسان‌ها و همچنین نسل‌های آتی است.

نتیجه‌گیری

ارتباط وثیق میان پایداری محیط زیست با پاسداشت حقوق بشر و کرامت انسانی از دریچه تأمین حق بر حیات و حق بر سلامت به‌عنوان حقوق شاخص بشری و ایجاد جوامعی توسعه‌یافته با مناسبات بهداشتی و عادلانه، محیط زیست را به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده در قلمرو حقوق بشر مطرح می‌کند. بدین جهت، سیاست‌های دولتی و تصمیم‌گیری‌های مرتبط با توسعه باید با رویکرد حفظ محیط زیست و احترام به حقوق بشر همراه باشند تا بهبودی مستدام در کیفیت زندگی انسان‌ها و جامعه به دست آید. در این راستا کاربری ارزش‌های دینی برای ایجاد التزام نسبت به محیط زیست از ضرورت قابل توجهی برخوردار است. سیر استقرایی در آموزه‌های اسلامی نه تنها به کفایت، حاکی از اهمیت توجه به محیط زیست است بلکه مزید بر آن، تحلیل مبانی و اصول حقوق بشر اسلامی، رویکردی توسعه‌یافته در قبال محیط زیست را در پیرامند حقوق بشر اسلامی به تصویر می‌کشد. به عبارتی در شرایطی که مخاطرات محیط زیستی منجر به تأمل و توجه بیشتر اسناد بین‌المللی به حفاظت از محیط زیست در چارچوب یک نسل و به مثابه یکی از عناصر مهم در قلمرو حقوق بشر گردیده، خیلی پیش از این و براساس آموزه‌های اسلامی و اصول و مبانی حقوق بشری آن، الگوی تعامل بهینه انسان با محیط زیست پیش‌بینی شده است.

حقوق بشر اسلامی با تکیه بر اصول و ارزش‌های اخلاقی و دینی نظیر کرامت انسانی، حق بهره‌مندی، جایگاه جانشینی، وظیفه امانتداری و عدالت ورزی، تأکید معتابیهی بر حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری پایدار از منابع طبیعی دارد. در قرآن کریم و روایات، شواهدی متقن وجود دارد که به طور مستقیم یا غیرمستقیم به لزوم بهره‌مندی عادلانه و حفاظت از محیط زیست اشاره می‌کنند. استفاده از الگوی حقوق بشر اسلامی که بر شأن و کرامت انسانی و سلطه عادلانه انسان بر مخلوقات از جمله طبیعت و محیط زیست به مثابه امانت الهی تأکید می‌ورزد، نه تنها متضمن حفظ و آبادانی و برخورداری از منابع

طبیعت است بلکه لجام و دهنه‌ای بر زیاده‌خواهی و تخریب و سرکشی در قبال محیط زیست به شمار می‌رود.

منابع

- قرآن کریم.
- افتخار جهرمی، گودرز؛ رضائی، علیرضا. (۱۳۹۵). همگرایی حقوق محیط زیست و حقوق بشر؛ با نگاهی به فقه اسلامی. مجله علمی و پژوهشی، ۳(۱)، ۳۲-۱.
- پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: انتشارات دنیای دانش.
- ترمذی، محمد بن عیسی. (۱۳۹۵ ق). سنن الترمذی. تحقیق: شاکر، ج ۵، مصر: شركة مكتبة و مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). اسلام و محیط زیست. مجله الکترونیکی اسراء، شماره ۲؛ <https://ensani.ir/fa/article/29448>.
- السید الرضی. (بی‌تا). نهج البلاغه. تحقیق: د. صبحی الصالح. دارالکتاب اللبنانی.
- فیروزی، مهدی. (۱۳۸۴). مبانی حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم در قرآن کریم. رواق اندیشه، شماره ۴۲.
- قدیر، محسن. (۱۳۹۴). حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌المللی و اسلام. پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۲(۲)، ۹۹-۱۲۴.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۷۴). بحار الانوار. تهران: چاپ اسلامی، جلد ۷۵.
- مطهری، مرتضی. (بی‌تا). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی. قم: انتشارات صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۹). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۱۰، ص ۳۵۶.
- میرموسوی، سیدعلی؛ حقیقت، سیدصادق. (۱۳۷۶). مبانی نظری حقوق بشر در اسلام. نشریه قبسات، شماره ۵-۶.
- یعقوبی، ابوالقاسم. (۱۳۸۰). اسلام و محیط زیست. نشریه حوزه، شماره ۱۰۶-۱۰۵.
- Kamali, M. H. (2012). Environmental Care in Islamic Teaching: A Qur'anic Perspective. *ICR Journal*, 3(2).